

تربیت اخلاقی کودک و نوجوان بانگاهی به تجربه های شفلی

فصلنامه علمی فقه و حقوق نوین

Print ISSN: 2717- 1469
Online ISSN: 2717 – 1477

ISC.SID.NOORMAGZ.MAGIRAN
GOOGLESCHOLAR.ENSANI
www.jaml.ir

سال ۱۴۰۴، سال ششم، شماره ۲۲،
صفحات ۱۲-۱

دکتری فلسفه دین مدرس دانشگاه فرهنگیان کرمانشاه z.sajad@chmail.ir

دکتر سجاد زنگنه

تبار (نویسنده مسئول)

دانشجوی رشته ادبیات فارسی دانشگاه رازی کرمانشاه

کوثر زنگنه تبار

چکیده

تربیت از موضوعات مهم و مورد توجه جامعه های انسانی بوده است؛ زیرا نقش مهم و تاثیرگذاری در رشد و تعالی فرد و جامعه دارد. در اهمیت تربیت همین بس که بعضی گفته اند: انسان بودن انسان درگرو تربیت اوست. با توجه به این که بنده نیز کم و بیش اهمیت تربیت را درک نموده سعی شد به بحث و بررسی تربیت اخلاقی کودک و نوجوان پرداخته شود؛ لذا با استفاده از روش تحلیلی - توصیفی میاچث و مسائل تربیت اخلاقی از جمله تعریف تربیت، اخلاق، تربیت دینی و تربیت اخلاقی مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته شود. در ادامه در باره موضوعاتی از علم اخلاق و انواع خلق های انسان نیز مطالبی ارائه و بیان شده که بعد از شناخت باید با روش های اساسی و پیروی از الگوهای مشخص به تربیت مورد نظر پرداخته با از میان بردن صفت های ردیلتی و ایجاد و تحقق صفت های فضیلتی انسان تربیت اخلاقی شده یعنی؛ فرد متخلق به تربیت اخلاقی گردد.

واژگان کلیدی: اخلاق، تربیت، تربیت اخلاقی، دین داری

طبقه بندی JEL: فقه - حقوق - جزا و جرم شناسی - حقوق بین الملل - حقوق خصوصی

Moral education of children and adolescents: a look at job experiences

Scientific Journal of Modern
Jurisprudence and Law

Print ISSN: 2717- 1469
Online ISSN: 2717 - 1477

Profile in ISC,SID, Noormags,
Magiran, Ensani,
GoogleScholar
www.jaml.ir

Year 2025, Sixth year, Issue 22

Pages 1-12

Dr. Sajjad Zanganeh PhD in Philosophy of Religion Lecturer at Farhangian University of Kermanshah z.sajad@chmail.ir
Tabar (Responsible
Author)

kosar zanganeh tabar Student of Persian Literature, Razi University of Kermanshah

Abstract

Education has been an important and important issue of concern for human societies, because it plays an important and influential role in the growth and advancement of individuals and society. Some have said that the importance of education is that a person's being human is in his upbringing. Given that I also more or less understand the importance of education, I tried to discuss and examine the moral upbringing of children and adolescents; therefore, using the analytical-descriptive method, the scope and issues of moral upbringing, including the definition of upbringing, morality, religious upbringing, and moral upbringing, are analyzed and examined. In the following, some materials are presented and explained about topics in the science of ethics and the types of human creations, which; after understanding, the desired upbringing should be addressed with basic methods and following specific patterns, so that by eliminating the vices and creating and realizing the virtuous qualities of a person, he becomes morally educated, that is, a person is born with moral upbringing.

Keywords: Ethics, education, moral education, religiosity

JEL Classification: Jurisprudence - Law - Criminal and Criminology - International Law - Private Law

مقدمه

در بحث تربیت اخلاقی کودک براساس آموزه های اسلام باید در وهله ی اول مفهوم های مندرج در موضوع را تعریف و توضیح داده شوند در مرحله بعد به شرح و بسط مطالب پرداخت؛ لذا باید به تعریف مفهوم های تربیت، اخلاق، دین، تربیت دینی و تربیت اخلاقی پرداخت. ناگفته نماند هر چند موضوع مقاله تربیت اخلاقی هست ولی چون در دین اسلام اخلاق را زیرمجموعه و وابسته به دین می دانسته می شود به ترتیب دینی هم پرداخته شده است. هر چند موضوع و محور مطالب تربیت اخلاقی است.

تعریف تربیت:

برای تربیت تعریف های متعدد و از زوایای مختلف ارائه شده است. هر چند اشتراکات و افتراقاتی با هم دارند به عنوان نمونه آقای محمد داوودی در کتاب نقش معلم در تربیت دینی نظرش بر این است در تعریف تربیت دو رویکرد مد نظر است: رویکرد توصیفی و رویکرد آرمانی. رویکرد توصیفی را در صدد این می داند که می خواهد توصیف دقیقی ضمن این که جامع و مانع باشد از عمل تربیت یعنی از آنچه در خارج به عنوان تربیت روی می دهد به دست بدهد. این امر مستلزم این است که در تعریف عناصر و اجزای مشترک در اعمال تربیتی بیان و از ذکر عناصر و اجزای متفاوت اجتناب شود؛ اما در رویکرد آرمانی، به عکس در صدد است که تعریفی از تربیت چنانکه باید باشد نه چنانکه هست ارائه دهد، یعنی تعریفی از تربیت آرمانی، نه تربیت جاری و رایج به دست دهد؛ پس تعریف را از دو منظر و رویکرد آرمانی (پسینی) و توصیفی (پیشینی)

بیان نموده است؛ که در رویکرد توصیفی آنچه بیان که تربیت در عین و خارج و در متن زندگی افراد روی می دهد منظور است؛ اما در رویکرد آرمانی آنچه بیان که تربیت باید باشد و مد نظر ما هست روی دهد اشاره دارد. آرمان و ایده آل ما از تربیت هر چه باشد مورد بررسی قرار داده می شود باید اذعان نمود چون در این نوشتار در صدد دست یافتن به تعریف تربیت دینی و اخلاقی هستیم تعریف توصیفی راهگشاست، بخاطر هماهنگی با مکاتب مختلف (داوودی، ۱۳۹۵، ص ۱۳-۱۲)

از تعریف های دیگر که بیان شده و متفکران ارائه داده اند تعریفی که ناظر به تربیت رسمی و عمومی باشد پسندیده است که ذکر شود و آن عبارتست از: ((تربیت، فعالیت های نظام مند و برنامه ریزی شده ای که نهاد های آموزشی جامعه انجام می دهند.)) (توماس، ۱۹۹۴، ص ۴۹۹۵). این تعریفی مختصر و مفید در تربیت است. عبارت های نظام مند و برنامه ریزی شده قابل تامل و درنگ هست که در این تعریف ذکر شده اند. تعریف های دیگری از تربیت بیان شده که به آنها نیز خواهیم پرداخت. خسرو باقری در کتاب نگاهی دوباره به تربیت اسلامی جلد اول در تعریف تربیت دو ریشه کلمه تربیت را مورد توجه قرار داده و هر ریشه ای که مد نظر باشد تعریفی متناسب با آن از تربیت بیان نموده است. که به نظر نگارنده این متن تعریف دوم با حال و هوای قرآنی قرابت بیشتر و مهمی دارد. ایشان ریشه تربیت را «ر ب و» و «ر ب ب» می داند و اگر هر ریشه ای را مفروض بگیریم تعریف خاص خود دارد. اگر ریشه «ر ب و» مفروض باشد تربیت چنین تحلیل می شود، واژه تربیت از

معنا تربیت اسلامی را اینچنین تعریف کرده است: شناخت خداوند به عنوان رب یگانه ی انسان و جهان و برگزیدن او به عنوان رب خویش و تن دادن به ربوبیت او و تن زدن از ربوبیت غیر او. با ملاحظه به این تعریف سه عنصر اساسی شناخت، انتخاب و عمل در آن وجود دارد. (باقری، ۱۳۹۵، ص ۶۱). همانطور که در سطرهای پیش ذکر شد این تعریف با آیات قرآن کریم در باره تربیت قرابت بیشتری دارد و عمق و باطن تربیت مد نظر دین مبین اسلام نشان می دهد و مربیان و معلمان باید در لابلای تربیت کردن فرزندان این مرز و بوم به این تعریف توجه خاصی شود.

پس از تعریف تربیت لازم است به تعریف اخلاق پرداخته شود و پس از تعریف اخلاق به تعریف تربیت اخلاقی و مؤلفه های آن اخلاق نیز از منظرها و دیدگاه های مختلف تعریف شده است و چون اخلاق مشترک لفظی است یعنی تعریف ها ممکن است به هم نزدیک یا با هم اختلاف و تعارض داشته باشند.

چیستی اخلاق

ابوالقاسم فنایی برای اخلاق دو معنا قائل است یکی به معنای عام و یکی هم به معنای خاص. اخلاق به معنای عام عبارتست از: هنجارها و ارزش هایی که راهنمای اندیشه و عمل اند. پس بدین ترتیب اخلاق اگر به معنای عام بکار رود شامل «اخلاق باور» و «اخلاق تفکر» یا «اخلاق پژوهش» می شود. اخلاق به معنای خاص عبارتست از هنجارها و ارزش هایی که راهنمای عمل و رفتارند (فنایی، ۹۵، ص ۵۱).

ریشه «ربّو» از باب تفعیل است و در این ریشه معنای زیادت و فزونی اخذ شده است به عنوان مثال به تپه «ربوه» گفته می شود به این خاطر ربا نیز نوعی زیادتی بر اصل مال است (باقری، ۱۳۹۵، ص ۵۱). پس تربیت از این ریشه به معنای زیادتی و افزایش در چیزی هست پس تربیت را به معنای اخذ و افزودن چیزی بکار می برد. اما علاوه بر این تربیت به معنای تهذیب نیز استعمال شده که به معنای زدودن خصوصیات ناپسند اخلاقی است. مفهوم تربیت از ریشه «ر ب و» در قرآن چندان مورد توجه قرار نگرفته اما مراد از تربیت در اسلام کلمه ی تربیت از ماده ی «ر ب ب» و استعمال مشتقات آن در ارتباط با انسان توسعه بیشتری داشته است. ر ب ب به صورت مضاعف می شود (ربّ) که در این ریشه و ماده دو عنصر معنایی وجود دارد مالکیت و تدبیر؛ پس رب به معنای مالک و مدبر است. رب در معنای مصدری معادل تربیت گرفته شده است، یعنی: گرداندن و پروراندن پی در پی چیزی تا حد نهایی. پس از بررسی لغوی باید جایگاه مفهوم «(رب)» و «(ربوبیت)» در آیات مورد بررسی قرار داد (همان، ۱۳۹۵، ص ۵۴-۵۳).

از عبارات و کلمات بر می آید که در مفهوم تربیت با ریشه «ر ب ب» آنچه بیش از حد مد نظر است و جلوه می کند مالک و مدیر بودن رب است پس در معنای تربیت از این ریشه انتساب به رب مد نظر است. در ربّی و ربّانی این عنصر انتساب به رب داشتن خودش را نشان می دهد و در زندگی و دعوت انبیاء با مردم. این بحث ربوبیت مسأله مهمی بوده و مردم با خالقیت خدا نیز مشکل نداشته اند؛ اما در ربوبیت مشکل داشته اند. با توجه به این ریشه و

پس از تعریف دین و اخلاق لازم است به تعریف دینداری هم پرداخته شود. چون تعریف دین داری گسترده است لذا بطور مختصر در چند عبارت و جمله بیان می شود:

۱- دین داری از سنخ هستی های ارادی است.

۲- دین داری امری انسانی و عام است.

۳- دین داری در سازمان هرمی روانی انسان در دو سطح بالای هرم بصورت شاکله و در سطح پایین در اشکال شناختی احساسی و کششی پدیدار می شود.

۴- دین داری پویا و متحول می شود.

۵- دین داری مشروط به سلامت فطرت و تعامل نیروهای فطری ظاهر می شود.

۶- دین داری به دو شکل در سیستم روانی انسان ظاهر می شود. در سطح زیرین نظام باورها و در سطح آشکار شیوه و سبک زندگی را مشخص می کند.

۷- دین داری از مقوله صبروت و شدنی است (نوذری، ۱۴۰۰، ص ۱۱).

از عبارت ها معلوم می شود که دین داری یک امر بسیط نیست بلکه یک امر پیچیده است که بصورت ارادی در سازمان درون فرد پدید می آید که فرد پس از شناخت ها و تربیت با شیوه و روش های درست و اصولی معرفت و شناختی در فرد پدید می آید و آرام آرام شاکله و شخصیت فرد درست می شود و رفتارهای فرد طبق

لازم است به این نکته اشاره شود در لابه لای بحث های اخلاق و دین، بحث اخلاق دینی نیز به میان می آید که اخلاق دینی اخلاقی است که به نحوی وابسته به دین و تابع دین است و به تبع آن معنای آن توسعه یافته یا محدود می شود. در تربیت اخلاقی باید فراموش نکنیم که در تربیت دینی افراد به اخلاق توجه داشته باشیم و افراد را طوری تربیت اخلاقی کنیم که انتظارات دین از منظر اخلاقی رعایت شود به طوری که هم تربیت دینی باشد هم تربیت اخلاق دینی انجام شده باشد.

برای دین تعریف هایی ارائه گردیده است. با توجه به متن و سبک این مقاله تعریفی که برای دین توسط جوادی آملی ارائه شده بهتر است و از این منظر و نگاه به این تعریف پرداخته می شود. انسان گرایش فطری عشق به خیر، سعادت و کمال نامحدود، عشق به رهایی کامل از درد و رنج دارد. عمل گرایش فطری مذکور در نظام روانی انسان در قالب اهداف، آرمان ها و امیال تجلی می یابد و انسان را به سوی برآوردن این آرزوها سوق می دهد چون انسان نه می تواند آنها را نادیده بگیرد و نه می تواند به تنهایی آنها را برآورده سازد، لذا به طور ناهشیار و غیرعمدی در جستجوی موجودی بر می آید که از دریچه فهم انسان، او می تواند خواسته های نامحدود او را برآورده سازد و از درد و رنج رهایی بخشد. به تعبیر قرآن کریم «آن رب» است (جوادی آملی، ۱۳۷۹، ص ۲۶۵). این تعریف با توجه به فطرت داشتن انسان و فطری بودن دین و سایر گرایش های فطری در انسان تعریفی قابل باور و جذاب است.

تعریف دین داری

حس بینایی، دارای نقش اساسی در معرفت دینی است چه شاهد عادی و سطحی یا مشاهده دقیق و علمی باشد با تدبر و دقت در دستگاه عظیم طبیعت زمینه تفکر و تعقل برای انسان میسر می شود.

با توجه به این توانای بشر در بینایی بعضی براهین برای اثبات وجود خدا و صفات او صورت بندی شده اند از جمله برهان حدوث و نظم یا مشاهده معجزه در باب نبوت و امامت.

حس شنوایی نیز در معرفت دینی نقش عمیق و گسترده ای دارد. و راه های عقلی و بیان روایات و احادیث و آیات از این طریق میسر است.

ب) شهود باطنی

انسان می تواند حقایقی را بدون استفاده از حواس بیرونی و بدون تفکر و تعقل در درون خویش بیابد. راه دل و درون یکی از راه های معرفت و شناخت است و این راه دل و درون یک راه هدایت و معرفت عمومی است که بواسطه آن، حجت خداوند بر بشر در باب توحید و شرک تمام است. این راه دل و درون یا فطری چون شهودی و درونی است جنبه فردی و شخصی دارد. که درکش برای دیگران به سادگی میسر نیست.

ج) عقل و خرد

عقل و خرد یکی از مهم ترین ابزارهای شناخت معرفت دینی است. عقل نقش بی بدیلی در حوزه معرفت های نظری و عقیدتی،

آن شناخت های واقعی انجام می گیرد البته همراه با احساسات و واکنش های عاطفی و در نهایت در سبک رفتار و سبک زندگی او خود را نشان می دهد. درانتها باید گفت رفتارهای خروجی و عادت های درست و واقعی فرد در صورتی که با نیت واقعی و به خاطر رضایت خداوند و به صورت و شکل صحیح انجام گرفته باشند رفتار دینی هستی هستند و فردی که این رفتارهای اساسی دارد دیندار نامیده می شود. در غیر این صورت مقبول نمی شوند یعنی عمل با فضیلت محسوب نمی شوند.

ابزارهای شناخت در معرفت دینی

اگر کسی بخواهد معرفت دینی کسب کند لازم است که ابزارهای شناخت معرفت و آگاهی دینی را بشناسد تا بتواند با استفاده از این ابزارها و بکار بردن درست و به موقع و بجای این ابزارها آگاهی های منطقی و معقول را کسب نماید.

ابزارهای عادی شناخت به دو گونه حسی و عقلی تقسیم می شوند. بنابر آیات قرآنی مانند آیه ۷۸ سوره مبارکه نحل 1 و دیگر روایات انسان در آغاز تولد فاقد هر گونه معرفت و شناخت است و برای اینکه بتواند نسبت به حقایق هستی معرفت و شناخت پیدا کند خداوند ابزارهایی را در اختیار او قرار داده است که گوش و چشم و قلب از این ابزارها هستند.

با توجه به مطالب یاد شده ابزارهای معرفت دین عبارتند از:

الف) حواس ظاهری

شد اما در تبیین فلسفی جریان تربیت نمی توانیم بر این ها تکیه نمایند.

۳- در تحقق فرایند تربیت به ویژه به شکل رسمی در هر جامعه به لحاظ جنبه اجتماعی آن، به ناچار مستلزم پذیرش مجموعه ای از گزاره های تجویزی که در قالب قوانین موضوعه پذیرفته شده است تبیین ونحوه تحقق تربیت یا الزام افراد نسبت به رعایت حقوق و مسئولیت های تربیتی با فرض این گزاره ها قابل توجیه اخلاقی و قانونی است که همان مبانی سیاسی و حقوقی تربیت هستند که با توجه موارد فوق مهم ترین مبانی اساسی تربیت را می توان به شرح ذیل طبقه بندی نمود:

۱- مبانی هستی شناختی

۲- مبانی انسان شناختی

۳- مبانی معرفت شناختی

۴- مبانی ارزش شناختی

۵- مبانی دین شناختی (مبانی نظری تحویل بنیادین، ص ۴۵-۵۰).

در میان مبانی فوق مبانی ارزش شناختی که بررسی درباره ماهیت ارزش و نحوه درک و اعتباربخشی و مصادیق ارزش های معتبر مبتنی بر دین حق یا سازگار با دین است که در حوزه فلسفه ی اخلاق و حکمت عملی با رویکرد اسلامی اخذ شده اند ناظر به این گفتار ما در این مقاله هست که به دلیل طولانی نشدن مباحث به توضیح بیشتر پرداخته نشده و عزیزان و خوانندگان گرامی را به

حوزه معرفت های عملی و اخلاقی دارد. هم معرفت های اثبات کننده دین را شامل می شود و هم در قلمرو و استنباط و تبیین دین کارساز است (۱۳۸۹، ربانی گلپایگانی، ص ۲۹-۳۳).

معنای اساسی تربیت

وقتی از تربیت انسان ها صحبت می شود باید دید فلسفه این تربیت چیست؟ مبانی، شیوه ها، مراحل و نتایج این تربیت چیست؟ و اگر تربیت بدون مبانی و شیوه های درست و منطقی باشد هیچ فایده و اثری ندارد و حتی ممکن است نتیجه معکوس هم داشته باشد؛ لذا برای تربیت اسلامی در نظام تعلیم و تربیت کشور ما در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش که یک سند راهبردی و بالا دستی برای تعلیم و تربیت در کشور ما محسوب می شود برای تربیت مبانی مهم و قابل تأملی بیان شده است که اهم آن مبانی از این قرار است:

۱- بعضی از مبانی تربیت از سنخ قضایای فلسفی و مدلل هستند که در جهان بینی و نظام ارزشی معتبر و مقبول جامعه اموری مسلم و مفروض هستند این ها از بنیادی ترین گزاره های علوم تربیتی و فلسفه تربیتند که باید آنها را مبانی اساسی نامید.

۲- برخی دیگر گزاره های توصیفی تبیینی یا تجویزی هستند که از علوم تجربی و کاربردی مرتبط با تربیت سرچشمه می گیرند (یعنی علوم تربیتی مانند جامعه شناسی تربیتی، برما نامه ریزی درسی) هر چند برای تبیین و تجویز تفصیلی باید از این مبانی بهره مند

طوری تربیت اخلاقی شوند که این هماهنگی ها در رفتار او باشد و دارای صلاحیت اخلاقی باشد.

مفهوم شناسی اخلاق

قبل از تعریف تربیت اخلاقی باید مفهوم اخلاق و حتی علم اخلاق ارائه و تبیین شود تا درک روشن و درستی از تربیت اخلاقی به دست آید. افراد و مکاتب متعددی مفهوم اخلاق را تحلیل نموده اند که به بیان نظر مشهور یا نظری که مورد قبول اکثر اندیشمندان علم اخلاق است پرداخته می شود.

اخلاق جمع خلق است. خلق، حالت و کیفیتی باطنی است که با چشم سر و حواس طبیعی ظاهری قابل مشاهده نیست که مقابل آن خلق هست که به معنای حالت و کیفیت محسوس اشیاء است. که اگر معادل فارسی برای آنها گفته شود سیرت به معنای خلق و صورت در معنای خلق بکار می رود. صورت به ویژگی های ظاهری مانند رنگ پوست و مو و سیرت به معنای ویژگی های باطنی مانند مهربانی و نرمخویی است.

خلق به دو گونه است یا پسندیده است و مطلوب که همان فضیلت ها هست یا ناپسند و نامطلوب یا همان رضیلت ها می باشد. مثال: راستگویی خلق پسندیده و دروغگویی: صفت یا خلق ناپسند است (داودی، ۱۳۹۰، ص ۷).

علم اخلاق

مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران قسمت مبانی اساسی تربیت ارجاع داده خواهند شد.

بعد از تعریف تربیت و اخلاق و بیان مبانی اساسی تربیت باید به تعریف تربیت اخلاقی پرداخته شود و مشخص شود منظور از تربیت اخلاقی چیست؟ و چرا باید کودکان و فرزندانمان را اخلاقی تربیت کنیم و آیا در زندگی و روابط اجتماعی اخلاق چه کاربردها و ضرورتی دارد؟ با توجه به اهمیت و لازم بودن اخلاق در سبک زندگی اسلامی و این که اخلاقیات بخش اعظمی از تعالیم اسلام را تشکیل می دهند و در اخلاق رابطه فرد با خود و دیگران مطرح می شود و رابطه خوب و سبک ارتباطی صحیح مورد پسند اسلام با دیگران از سفارش های مؤکد در دین مبین اسلام هست؛ لازم و ضروری است که از همان دوران کودکی فرزندان را با اخلاقیات و نحوه ی سبک زندگی اخلاقی آشنا کنیم و کودک را باید به شیوه ای تربیت کرد؛ که نه فقط در حرف و نظر بلکه عملی در سبک ارتباطی زندگی خود با دیگران این توصیه های اخلاقی را بکار ببندد یعنی بطور خلاصه در سبک زندگی رفتارهایش اخلاقی و در امورات اجتماعی دارای منش اخلاقی باشد. هم در نظر و گفتار هم در عمل اخلاقی باشد؛ زیرا در اخلاق صداقت وصف انسان ها می باشد این صداقت یعنی هماهنگی در گفتار و رفتار و بطور خلاصه زبان بدن، زبان گفتار، زبان رفتار و زبان اندیشه فرد هماهنگ و متحد باشند در نتیجه چنین فردی صلاحیت اخلاقی دارد پس کودک را باید

حالا که مفهوم تربیت و مفهوم اخلاق بیان شده است باید به تعریف تربیت اخلاقی پرداخته شود تا مشخص شود مراد و منظور علما از تربیت اخلاقی چیست. یعنی می شود کسی را تربیت اخلاقی کرد یا این امر برای انسان ها میسر نیست؟ با بررسی ها معلوم می گردد که تربیت اخلاقی اگر با روش ها و اسلوب های درست انجام شود قابل دسترسی و تحقق هست.

تربیت اخلاقی

با بررسی نظرات و آثار اندیشمندان مسلمان مشخص شده که تربیت اخلاقی بخشی از علم اخلاق بوده و در ضمن آن مطرح شده است. ناگفته نماند که این مفهوم تربیت اخلاقی به عنوان رشته ای مستقل یک مفهوم یا ایده تازه است. ولی مفهوم های تهذیب اخلاقی، تهذیب نفس، تزکیه و ... در بین حرف های گذشتگان بکار رفته است. این مفهوم تربیت اخلاقی یک مفهوم وارداتی از آراء و اندیشه های متفکران غربی است که وارد فرهنگ تربیتی مسلمان ها از جمله ایرانی ها شده است.

اگر بخواهیم تربیت اخلاقی را رشته ای مستقل از اخلاق در نظر بگیریم و آن را براساس دیدگاه دانشمندان مسلمان تعریف کنیم، تربیت اخلاقی در مجموعه ای از فعالیت های تربیتی به منظور از میان بردن صفت های رذیلتی و ایجاد و تحقق صفت های فضیلتی است (داودی، ۱۳۹۰، ص ۹).

از بررسی عبارت ها معلوم می شود که علم اخلاق به چه مباحثی می پردازد با توجه به مفهوم علم اخلاق، اخلاق و تربیت

از نظر دانشمندان مسلمان، علم اخلاق، علم به صفت های فضیلت و رذیلت و چگونگی آراسته شدن به فضیلت ها و پاک شدن از رذیلت هاست (داودی، ۱۳۹۰، ص ۷).

خواجه نصیرالدین طوسی فیلسوف، متکلم و عالم اخلاق قرن هفتم در تعریف علم اخلاق گفته: «علم است بدانکه نفس انسانی را چگونه خلقی اکتساب تواند کرد که جملگی افعالی که به ارادت او از وی صادر شود جمیل و محمود بود.» بنابراین از نظر خواجه نصیر علم اخلاق یعنی علم صفت های خوب و بد (طوسی، ۱۳۶۹، ص ۴۸).

استاد مصباح یزدی نیز در تعریف علم اخلاق گفته: «علم اخلاق علمی است که از انواع صفت های خوب و بد، صفت های که با افعال اختیاری انسان ارتباط دارند و کیفیت اکتساب صفت های خوب و دور کردن صفت های بد بحث می کند» (مصباح یزدی، ۱۳۶۷، ص ۱۰).

از مطالب گفته شده استنباط می شود که اخلاق علم شناسایی منش ها، فضیلت ها و رذیلت هاست و به هر دو دسته خُلق می پردازد و علم اخلاق یعنی علم بررسی خوبی ها و بدی ها نباید فقط رفتارهای درست یا فضیلت ها را زیرمجموعه اخلاق بدانیم. اگر افرادی چنین انگاره یا تصویری از علم اخلاق دارند اشتباه و نادرست است؛ زیرا علم اخلاق با ابزارهای لازم به بررسی شایستگی ها و ناشایستگی ها و بایسته ها و نبایسته ها می پردازد.

تاریخچه تربیت اخلاقی

آنچه مشخص است این است که در میان قدما مباحثی مانند تزکیه اخلاق و تهذیب نفس مطرح بوده و در علم اخلاق درباره چگونگی آراستن نفس به صفات فضیلت و پیراستن آن از صفات ردیلت بحث می شده است. چنانکه خواجه نصیرالدین طوسی در کتاب اخلاق ناصری فصل نهم و دهم از مقاله اول کتاب خود را به حفظ صحت نفس و معالجه ردایلت اختصاص داده و ابن مسکویه در کتاب تهذیب اخلاق در فصلی خاص به تربیت اخلاقی کودکان پرداخته است.

در دوران معاصر تربیت اخلاقی به عنوان موضوعی مستقل مطرح شده و در ایران و کشورهای مسلمان عربی زبان تحقیقاتی در این موضوع انجام شده است. از جمله این تحقیقات " مبانی شیوه های تربیت اخلاقی " نوشته دکتر خسرو باقری. " نگرشی به تربیت اخلاقی از دیدگاه اسلام با تاکید بر دوره نوجوانی " نوشته خانم افضل السادات حسینی. " التربیه الاخلاقیه الاجتماعیه " نوشته دکتر مقداد یالجن و " التربیه الخلیفه فی القرآن و السنه " اثر دکتر اسامه شموط است. با وجود این کتاب ها البته بخشی از کتاب هایی است که درباره تربیت اخلاقی تالیف شده اند؛ اما در کشور ما هنوز در آغاز راه هست و تا رسیدن به اوج تدوین نظریه تربیت اخلاقی متناسب با فرهنگ ایرانی و اسلامی فاصله و راهی زیاد در پیش است که امیدواریم شاهد پیشرفت هایی اساسی در این زمینه باشیم. (داودی، ۱۳۹۰، ص ۱۹-۱۸)

قلمرو تربیت اخلاقی

فهمیده می شود که تربیت اخلاقی برای انسان پیداست و انسان با توجه به گرایش ها و انگیزه های فطری خدادادی که در وجودش هست اگر از اصول و روش های درست تربیت استفاده شود می توان انسان را تربیت اخلاقی کرد. اگر تربیت اخلاقی به بیان ساده و مختصر بیان شود؛ یعنی در تربیت اخلاقی هدف این است که طوری رفتار کنیم و آموزش دهیم که کودکان فضیلت ها و منش های خوب و رفتارهای شایسته را فرا بگیرند و انجام دهند این اعمال در رفتارهای روزانه آن ها انجام گیرند و سبک رفتار زندگی آنها معقول و پسندیده باشد و از انجام دادن ردیلت ها و رفتارهای زشت، منفی، نادرست و ناپسند دوری کنند و در سبک زندگی خوب از بکار بردن این رفتارهای ناپسند و نابجا بپرهیزند و این یعنی رفتار مؤمنانه و قابل قبول که لازمه این کار این است که نسبت به این فضیلت ها و ردیلت ها شناخت درست بدهیم و آموزش ما به سبکی باشد که کودکان نسبت به این فضیلت ها انس گرفته و علاقه و رابطه خوبی با این ها برقرار کنند و خود را ملزم به انجام فضیلت ها و ترک ردیلت ها کنند اگر موفق به این کار شدیم می شود گفت کودکان را تربیت اخلاقی نموده ایم در غیر این صورت وقت خود را تلف نموده و هیچ تربیت اخلاقی درستی انجام نگرفته است. شاید بتوان گفت شبه تربیت صورت گرفته نه تربیت که هیچ ارزشی و اعتباری ندارند، لازم رفتار مؤمنانه و قابل قبول انجام دادن فضیلت ها و ترک ردیلت ها در همه شرایط و زمان و مکان هاست هم باحضور دیگران یا بدون حضور دیگران که این همان رفتار مورد پسند و سفارش دین مبین اسلام و بزرگان این دین است.

بتوانیم کودکانمان را تربیت اخلاقی براساس آموزهای اخلاقی اسلامی کنیم و سبک زندگی مومنانه داشته تا گرایش‌ها و استعدادهای فطری خدادادی مسیر درست به سمت شکوفایی را طی نموده و در نهایت به سعادت یعنی قرب نهایی برسند و این کمال و افتخار هر انسانی است.

نتیجه‌گیری

از مباحث و بررسی‌هایی که درباره تربیت اخلاقی صورت گرفت می‌توان گفت تربیت در جریان زندگی انسان نقش مهم و اساسی دارد. ارائه یک تعریف جامع و مانع از تربیت قدری مشکل به نظر می‌رسد. اغلب کسانی که در این وادی قلم زده‌اند یا کوششی در این مسیر داشته‌اند به تعریفی تجویزی یا با قیدی همراه تربیت پرداخته‌اند. البته این بدان معنی نیست که هیچ‌کس قائل به ارائه تعریف مشخص از تربیت نیست. نگارنده به این نتیجه رسیده که در فلسفه تربیت اسلامی برای ارائه تعریف از تربیت یا همراه با قیدهایی مثل تربیت دینی یا اخلاقی یا عبادی در وهله اول باید مبانی و محتوای دین مبین اسلام را شناخت و بعد از شناخت باید با روش‌های اساسی و پیروی از الگوهای مشخص و ممتاز به تربیت مورد نظر پرداخت و در متن مورد نظر بعد از تعریف تربیت و اخلاق به تربیت اخلاقی که به اختصار یعنی: از میان بردن صفت‌های رذیلتی و ایجاد و تحقق صفت‌های فضیلتی است تا انسان تربیت اخلاقی شود و فرد متخلق به تربیت اخلاقی گردد...

برای پی بردن به قلمرو تربیت اخلاقی دو نکته لازم است، نخست: ارزش‌های دیگر به جز ارزش‌های اخلاقی وجود دارد؟ و دیگر اگر آری، معیار تمایز ارزش‌های اخلاقی با ارزش‌های غیر اخلاقی چیست؟

پاسخ پرسش اول معلوم است و آن اینکه همه‌ی ارزش‌های مطرح در یک جامعه ارزش‌های اخلاقی نیست و ارزش‌های مربوط به آداب و رسوم، ارزش‌های قانونی، سیاسی و اخلاقی وجود دارد. تفاوت ارزش‌های اخلاقی با دیگر ارزش‌ها در این است که ارزش‌های اخلاقی ارزشمندی خود را از مصالح زمانمند و مکانمند نگرفته بلکه از اصول و قواعد نهایی و ثابت گرفته‌اند (باقری، ص ۲۱۱). باتوجه به این که ارزش‌ها متعدد و گوناگونند تمایز ارزش‌های اخلاقی با دیگر ارزش‌ها در این است. که ارزش‌های اخلاقی در دستیابی انسان به کمال و سعادت نهایی موثرند و کمال و سعادت حقیقی انسان و تاثیر افعال ثابت و محدود به زمان و مکان خاصی نیست، ارزش‌های اخلاقی نیز ثابت و تغییر ناپذیرند و ارزش‌های دیگر متغیرند و با منافع و مصالح زمانی و مکانی سروکار دارند نه با سعادت حقیقی انسان. پس هرگز ارزشی را نمی‌توان گزاره اخلاقی دانست و آن را در قلمرو تربیت اخلاقی قرار داد؛ بلکه تنها ارزش‌هایی که با سعادت و کمال حقیقی انسان در ارتباطند ارزش‌های اخلاقی هستند و در قلمرو تربیت اخلاقی قرار می‌گیرند. (داودی، ۱۳۹۰، ص ۱۶-۱۵)؛ پس برای تربیت اخلاقی کودک هم مبانی و اصول باید خوب یاد بگیریم و در اجرای آن‌ها روش‌ها و برنامه‌های درست و به موقع انجام دهیم تا نتیجه موثر بدهد و

نوذری ، محمود (۱۴۰۰) مراحل تحول دین داری ، قم : پژوهشگاه حوزه و

دانشگاه

باقری خسرو (۱۳۹۵) ، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی ، ج ۲ ، تهران : انتشارات

مدرسه

مصباح ، محمدتقی (۱۳۹۱) ، فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی ، تهران : انتشارات

مدرسه

سپاسگزاری

از معاونت محترم پژوهشی به خاطر حمایت معنوی در اجرای پژوهش حاضر سپاسگزاری می‌شود.
از آقای دکتر عبدالله علیزاده به خاطر بازبینی متن مقاله و ارائه نظرهای ساختاری تشکر و قدردانی می‌شود.
از داوران محترم به خاطر ارائه نظرهای ساختاری و علمی سپاسگزاری می‌شود.
نگارندگان بر خود لازم می‌دانند از آقای دکتر محمد رسول آهنگران به خاطر مطالعه متن مقاله حاضر و ارائه نظرهای ارزشمند سپاسگزاری نمایند.

منابع

باقری نوع پرست ، خسرو (۱۴۰۱) ، تربیت در افق عاملیت انسان ، تهران : واکاوش

دانش ، جواد (۱۳۹۲) ، دین و اخلاق ، قم ، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

داوری ، محمد (۱۳۹۰) ، سیره تربیتی پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) ، تربیت اخلاقی ، ج ۳ ، قم ، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

فنائی ، ابوالقاسم (۱۳۸۴) ، دین در ترازوی اخلاق ، تهران : موسسه صراط

وجدانی ، فاطمه (۱۴۰۰) ، اخلاق حرفه ای در تربیت ، قم : پژوهشگاه حوزه و دانشگاه فرهنگیان

داوودی ، محمد (۱۳۹۴) ، سیره تربیتی پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) ، ج ۲ ، قم : پژوهشگاه حوزه و دانشگاه